

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رمزگشایی از نبرد ادراکی؛ از پادگان سامرا تا میدان مجازی

به مناسبت سالروز شهادت امام هادی علیه السلام



❖ انگیزه‌سازی (امنیتِ روانی در دنیای هک‌شده)

- بیایید یک لحظه با هم روراست باشیم؛ دنیای امروز ما، دنیای «جنگِ محاسبات» است. اگر کسی فکر می‌کند در این هیاهوی فضای مجازی، فقط دارد می‌چرخد و ویدیو و چت میکند و عکس می‌بیند، سخت در اشتباه است. واقعیت این است که در اتاق‌فکرهای جنگ شناختی، تاکتیک فقط تصرف خاک نیست؛ هدف «اشغال مغزها» و «هک کردنِ اراده‌ها» است.
- فرقی نمی‌کند مذهبی باشی یا نباشی؛ در کل هیچ‌کدام از ما دوست ندارد «مهره‌ی بازی» دیگران باشد. هیچ‌کس دوست ندارد کسی در آن سوی دنیا برای «احساساتش»، «خریدش» و «تصمیماتِ سیاسی اش» برنامه‌ریزی کند.
- امروز می‌خواهیم از کسی حرف بزنیم که ۱۲۰۰ سال پیش، در یک «پادگان نظامی» محاصره شده بود، اما اجازه نداد در یک جنگ شناختی بسیار سنگین و قدرتمند «ادراک» پیروانش محاصره شود.
- امام هادی (ع)، قهرمانِ شکستن بن‌بست‌های ذهنی است. اگر به دنبال امنیتِ واقعی در زندگی مادی و آرامش روانی هستید فارغ از هر نوع نگاه و جهان بینی کاملاً مادی یا توحیدی، باید راهبرد دشمن را در این «جنگ ادراکی» بشناسید

❖ اقناع اندیشه (امام هادی (ع)؛ فرماندهی نبرد نرم در پادگان سامرا)

رفقا، سامرا یک شهر معمولی نبود؛ یک «اردوگاه نظامی» (عسکر) بود. متوکل عباسی، امام هادی (ع) را از مدینه به سامرا تبعید کرد تا ایشان را ضمن کنترل سخت ارتباطی، تحقیر کند و گستره نفوذشان را از بین ببرد. اما امام با یک «اقدام بسیار هوشمندانه» ورق را برگرداند.

• الف) نفوذ در قلب ساختار؛ مغلوب شدن دشمن در برابر منطق و منش امام:

۱. **یحیی بن هرثمه؛** از بازرس خشن تا مرید دلداده: متوکل به یحیی بن هرثمه (فرمانده ارشد نظامی) دستور داد با ۳۰۰ سرباز به مدینه برود، خانه‌ی امام را تفتیش کند و ایشان را با اجبار به سامرا بیاورد. یحیی می‌گوید: «وارد خانه‌ی علی بن محمد شدم. تمام اتاق‌ها را گشتم، اما چیزی جز قرآن، کتاب‌های دعا و عبادی پشمن نیافتم». او چنان تحت تأثیر سادگی و عظمت معنوی امام قرار گرفت که از همان‌جا حس احترام در قلبش جوشید. در راه سامرا، وقتی با خشکسالی و تشنگی شدید سربازان روبرو شدند، امام با کرامت خود محلی را نشان دادند که آب از آن جوشید. یحیی با دیدن این صحنه، در مقابل امام زانو زد و به یک محافظ دلسوز تبدیل شد. او در گزارش خود به متوکل نوشت: «من جز نیکی، ورع، زهد و پرستش خدا در او چیزی ندیدم.» (منبع: تذکرة الخواص، سبط بن جوزی، ص ۳۵۹ / بحارالانوار،

ج ۵۰، ص ۲۱۰)

۲. وصیف ترکی و سرداران مغرور؛ شکست پروژه تحقیر: متوکل به
سرداران ترک، مثل وصیف ترکی دستور داده بود که وقتی امام هادی
(ع) وارد مجلس می‌شود، هیچ کس نباید به او احترام بگذارد، از جای
برخیزد یا راه را باز کند. هدف، تحقیر امام بود.
اما به محض اینکه امام وارد شد، چنان هیبت و شکوهی در چهره
ایشان بود که تمام آن سرداران مغرور، بی‌اختیار و ناخودآگاه از جا
برخاستند، راه را باز کردند و در مقابل امام تعظیم کردند. پس از
خروج امام، آن‌ها با عصبانیت به یکدیگر می‌گفتند: «مگر قرار نبود
احترام نگذاریم؟» و خودشان پاسخ می‌دادند: «والله که شکوه او
چنان بر جان ما نشست که پاهایمان بی‌اختیار ما را بلند کرد.»

(منبع: بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۵۸ / الثاقب فی المناقب، ص ۵۴۶)

۳. مادر متوکل و درسی در امانتداری و تدبیر: زمانی متوکل به بیماری
سختی (دُمَل‌های چرکین) مبتلا شد. مادرش نذر کرد اگر پسرش شفا
یابد، مالی به امام بدهد. امام نسخه‌ای دادند و متوکل شفا یافت.
مادر متوکل کیسه‌ای حاوی ۱۰ هزار دینار که با مهر خودش پلمب
شده بود برای امام فرستاد. مدتی بعد، بدخواهان به متوکل خبر
دادند که امام در حال جمع‌آوری سلاح برای جنگ است. متوکل به
یحیی بن هرثمه دستور داد شبانه به خانه امام حمله کند. یحیی وارد
شد و امام را دید که بر حصیری نشسته و قرآن می‌خواند. تمام خانه
را گشتند و فقط همان کیسه‌ی پولِ مادر متوکل را پیدا کردند که

هنوز پلمب بود و باز نشده بود! امام فرمود: «این کیسه را به نزد متوکل ببرید.» وقتی متوکل کیسه و مهر مادرش را دید، چنان شرمنده شد که دستور داد کیسه‌ای دیگر هم بر آن بیفزایند و بازگردانند. امام با این امانتداری، نقشه‌ی اتهام قیام را به یک رسوایی اخلاقی برای متوکل تبدیل کرد. (منبع: اصول کافی، ج ۱، ص ۴۹۹ / بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۹۹)

❖ پرورش احساس (زیارت جامعه؛ پاتک استراتژیک به نبرد شناختی)

- متوکل یک «استراتژیست جنگ نرم» بود که از سه تکنیک برای تغییر ادراک مردم استفاده کرد:

الف) تکنیک‌های دشمن برای نابودی محبوبیت و مغناطیس ائمه:

- **قداست‌زدایی (تمسخر):** متوکل دل‌چکی به نام «بتاده» داشت که دستور داده بود بالشی زیر شکم ببندد و با حرکاتی سخیف، ادای امام علی (ع) و امام هادی (ع) را در بیاورد تا با تمسخر، هیبت ولایت را در ذهن مردم بشکند. (مشابه تکنیک‌های رسانه‌ای دشمن امروز: از ساخت میم‌ها و ساخت کلیپ‌های تقطیع شده و هوش مصنوعی در راستای تخریب رسانه‌ای). (منبع: الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۵۵ / بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۹۵)

• **پاک کردن حافظه‌ی تاریخی:** در سال ۲۳۶ هجری، متوکل دستور داد مزار سیدالشهدا (ع) را تخریب کنند، زمین را شخم بزنند و آب بر آن ببندند تا هیچ اثری از حضرت حسین (ع) باقی نماند. او می‌خواست «نقطه‌ی ثقل» احساسی مردم را از جغرافیای ذهنی حذف کند. (تکنیک‌های دشمن امروز: سانسور حقیقت و بزک تاریخ پهلوی و روایت سازی‌های دروغین تاریخ انقلاب و تغییر جای جلاد و شهید). (منبع: تاریخ الطبری، ج ۹، ص ۱۸۵ / مقالات الطالبیین، ص ۳۹۵)

• **عادی‌سازی و آلوده‌سازی:** شبی متوکل دستور داد سربازان شبانه به خانه‌ی امام هادی (ع) هجوم ببرند و ایشان را با همان وضع به مجلس شراب متوکل بیاورند. او می‌خواست ضمن شکستن اباهت و جایگاه قدسی امام در اذهان مردم با نشان دادن امام کنار ظرف‌های شراب، مرز بین حق و باطل را در ذهن مردم کمرنگ کند. امام علیه السلام این اشعار را فرمودند:

باتوا على قُلُلِ الأَجْبَالِ تَحْرُسُهُمْ

شب را بر قله کوه‌ها به سحر رساندند در حالی که

غُلِبَ الرِّجَالِ فَمَا أَغْنَتْهُمْ الْقُلُلُ

مردان نیرومند از آنان پاسداری می‌کردند، اما آن قله‌ها سودی به حالشان نداشت.

وَاسْتَنْزِلُوا بَعْدَ عِزٍّ مِنْ مَعَالِيهِمْ

از پسِ آن همه عزت، از درّهای محکمشان به پایین کشیده شدند

وَأُودِعُوا حُفْرًا يَا بئْسَ مَا نَزَّلُوا

و در حفره‌های گور جای گرفتند؛ و چه بد جایگاهی فرود آمدند.
ناداهمُ صَارُحٌ مِنْ بَعْدِ مَا قُبِرُوا
فریادزنی پس از آنکه دفن شدند، بر آنان بانگ زد:
أَيْنَ الْأُسْرَةِ وَالتَّيْجَانِ وَالْحُلُلِ؟
کجاست آن تخت‌ها و تاج‌ها و لباس‌های فاخر و گران‌بها؟
أَيْنَ الْوَجْهِ الَّتِي كَانَتْ مُنْعَمَةً
کجاست آن چهره‌هایی که در ناز و نعمت بودند
مِنْ دُونِهَا تُضْرَبُ الْأُسْتَارُ وَالْكُلُّ؟
و پیش از آن‌ها پرده‌ها و سرپرده‌ها می‌آویختند؟
فَأَفْصَحَ الْقَبْرُ عَنْهُمْ حِينَ سَاءَ لَهُمْ
پس قبر به جای آنان پاسخ داد، آنگاه که از آن‌ها پرسیدند:
تِلْكَ الْوَجْهُ عَلَيْهَا الدُّودُ تَقْتَتِلُ
بر آن چهره‌ها، اکنون کرم‌ها با یکدیگر می‌جنگند.
قَدْ طَالَمَا أَكَلُوا دَهْرًا وَمَا شَرَبُوا
روزگار مدیدی خوردند و آشامیدند،
فَأَصْبَحُوا بَعْدَ طَوْلِ الْأَكْلِ قَدْ أَكَلُوا
و امروز پس از آن همه خوردن، خود خورده می‌شوند.
و طَالَمَا عَمَرُوا دُورًا لَتُحْصَنَهُمْ
چه خانه‌هایی که برای در امان ماندن بنا کردند،
فَفَارَقُوا الدُّورَ وَالْأَهْلِيْنَ وَارْتَحَلُوا
اما سرانجام از خانه‌ها و کسان خود جدا شده و کوچ کردند.
و طَالَمَا كَنَزُوا الْأَمْوَالَ وَادَّخَرُوا

چه اموالی که ذخیره و انباشته کردند،

فخلفوها علی الأعداء وانتقلوا

اما آن‌ها را برای دشمنان گذاشتند و خود رخت برپستند.

این اشعر در بیان امام هادی علیه اسلام تکانی به ادراکِ حاضران داد که خلیفه جام شراب را به زمین کوبید و گریست. (منبع: مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱ / وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۲۷۲)

ب) ضدِ حمله‌ی امام (زیارتِ جامعه کبیره):

امام هادی (ع) در پاسخ به این تخریب‌ها، «زیارت جامعه کبیره» را انشا کردند. این یک «آنتی‌ویروس شناختی» بود. وقتی دشمن با «طنز و سانسور» می‌خواست تصویر امام را در بین ذهن‌های مردم خرد کند، امام یک دانشنامه‌ی کاملِ امام‌شناسی ارائه داد تا سطح معرفتِ مخاطب را چنان بالا ببرد که دیگر فریبِ سلبریتی‌های بدلی و پروپاگاندای خلیفه را نخورد. کسی که امام را با ترازِ «جامعه کبیره» می‌شناسد، با هیچ شبهه‌ی مجازی دچارِ خطای محاسباتی نمی‌شود.

❖ **رفتارسازی (مسئولیت‌پذیری؛ پله‌ی اولِ مجاهدت)**

الف) درس برای امروز؛ هشدارِ نبردِ شناختی:

دشمن در جنگ شناختی، «بینش» و «فکر» تو را هدف می‌گیرد. وقتی ادراک و شناخت تو نسبت به کشور و ارزش‌های دینی‌ات و قهرمانان ملت و نسبت به هویتت هک شود، تو داوطلبانه به

«سرباز بی چیره و مواجب» کسی تبدیل می‌شود که فقط به دنبال استثمار، چپاول و تجاوزگری است که فقط رصد تعداد جنگ‌های او و جنایات او در کشتار کودکان و زنان و مردمان بی سلاح بهترین دلیل بر شناخت دستاهی چدنی در دستکش مخملی اوست. تو می‌شوی پیاده‌نظام کسی که در ایدئولوژی او، تو فقط به عنوان یک «ابزار» تعریف شده‌ای نه بیشتر. جنگ‌های اخیر (غزه، لبنان، اوکراین) نشان داد که برای متجاوز، «جانِ انسان» بی‌ارزش‌ترین کالا است. در دکترین آن‌ها، خط‌کشی برای مذهبی و غیرمذهبی، انقلابی یا ضدانقلاب، محجبه یا غیرمحجبه وجود ندارد. بمب‌ها و موشک‌هایشان کارت شناسایی تو و قیافه تو را چک نمی‌کنند! وقتی دشمن در نبرد ادراکی موفق شود و با فریب توده‌ها پایش به خاکِ کشوری باز شود، دیگر نمی‌پرسد عقیده‌ی تو چیست؛ آنجا تنها چیزی که اهمیت ندارد، جانِ انسان‌هاست. نگذار با تکنیکِ «ادراک‌سازی»، تو را به سمتی ببرند که با دستِ خودت، سدِ دفاعیِ کشورت را سوراخ کنی.

ب) ولایت به معنای انفعال نیست:

ولایت یعنی امام به تو «بصیرت» می‌دهد، اما «مسئولیت» با خودِ توست. امام مثل یک «مربی» کنار زمین ایستاده؛ این بازیکن (ما) است که باید بدود و گل بزند! امام هادی (ع) با «شبکه وکالت» (سیستم غیرمتمرکز مدیریت از راه دور) شیعه را تمرین داد تا بدونِ حضورِ فیزیکیِ امام، خودش مسئولیت‌پذیر باشد.

ج) تکلیف عملیاتی:

در فضای مجازی «مصرف کننده‌ی منفعل» نباشید. هر خبری را لایک و بازنشر نکنید. اگر به گوشی دستتان به چشم یک «اسلحه» نگاه نکنید، دشمن محاسبات شما را عوض می‌کند.

- بنیامین نتانیاهو در کنفرانس سالانه آئیپک (AIPAC) در سال ۲۰۱۷ در سخنرانی قصد داشت بر قدرت تکنولوژی و نفوذ فناوری‌های اسرائیلی در زندگی روزمره مردم جهان تشریح کند گفت: «امروز اسرائیل همه‌جا هست. اگر در جیب خود یک گوشی هوشمند دارید، اسرائیل را در جیب خود دارید.

- همان‌طور که امام، «یحیی بن هرثمه‌ها» را با اخلاق و منطق مغلوب کرد، تو هم باید با رفتار و آگاهی‌ات و رویکرد تهاجمی در حوزه رسانه نسبت به دشمن، جبهه‌ی دشمن را دچار ریزش کنی.

- امام هادی (ع) به ما آموخت که مؤمن در هیچ شرایطی «بن‌بست» ندارد. چه در پادگان کاملاً امنیتی سامرا باشی، چه در تلاطم فضای مجازی!

- اگر راهبرد دشمن را بشناسی و مسئولیتِ خودت را بپذیری، پیروزی.
- ایشان ما را برای دوران غیبت آماده کردند؛ دورانی که باید با «عزم» و «اراده» خودمان، زمینه‌سازِ ظهور باشیم و اجازه ندهیم مهره‌ی حربه‌ها و پروپاگاندا‌ی دشمن شویم تا در بازیِ آن‌ها نسوزیم.

روضة (گریز به غربتِ سامرا و کربلا)

اما رفقا، چقدر جگرِ امام هادی (ع) خون شد در آن سال‌های
پادگان... آن شبی که مأمورانِ متوکل به خانه‌ی امام هجوم بردند،
ایشان را در حالی یافتند که بر روی سنگریزه‌ها نشسته و قرآن
می‌خواند. امام را با همان وضعیت، بی‌عمامه و پیاده به مجلسِ شرابِ
متوکل بردند... آقا را کنار ظرف‌های شراب نشانده... جسارت
کردند به ساحتِ مقدس امام...

اما امام هادی (ع) یک غمِ جانسوزِ دیگر هم داشت. ایشان از سامرا
می‌دید که مزارِ جدش حسین (ع) را در کربلا تخریب کرده‌اند، شخم
زده‌اند و آب روی قبر بسته بودند تا اثری از حسین نماند. امام در
سامرا غریبانه شهید شد، اما فرزندش امام حسن عسکری (ع)
کنارش بود، بدن را غسل دادند... اما لایوم کیومک یا اباعبدالله...
در کربلا زینب (س) آمد بالای گودال، دید بدنِ برادر زیرِ سم
اسب‌ها... نه غسلی، نه کفنی... «صلی الله علیک یا مظلوم یا
اباعبدالله...»